



دیوارِ شرمِ بشریت

نجمه موسوی

از زمانی که جهان در جشنی همگانی بر تکه پاره های دیوار برلن پای کوبید و به رقص آزادی نشست، چند سالی نمی‌گذرد.

دیواری که برخی آن را «دیوار شرم» نامیدند، و برخی دیوار ننگ! که بی شک مایه‌ی شرم بشریت بود. که زندگی‌های چندی را از میان دوپاره کرده بود. که هنوز رنگِ خون‌هایی که در پایش ریخته بود را بر چهره داشت وقتی زیر تیشه و سنگِ جوانانی که عزم، بر فروپاشی‌اش کرده بودند، فرو می‌ریخت.

آن روز، از احساس سعادت گریستیم با این امید که بشریت از این تجربه درس گرفته باشد. و روز فروپاشی دیوار، تکه‌هایی از آن را هر یک به یادگار در مشت‌های خود فشردیم تا یادمان نرود که مرز میان قربانی بودن و جلادشدن تا چه حد شکننده است.

اما هیئات! هنوز تیزی این تکه سنگ‌ها مشت‌های مان را می‌خراشید که دیوار دیگری برپاشد. هیئات که حافظه‌ی عمومی جهان، چنان به خواب رفته که پیش از پرکردن فاصله میان دو آلمان، قبل از گذاشتن مرحم به زخم‌هایی که از برافراشتن این دیوار ایجاد شده بودند، پیش از آن که مجریان و برپاکنندگان این دیوار مجازات شوند و پیش از مبارزه‌ای همه‌جانبه با اندیشه‌ای که «دیوار» می‌خواهد و «دیوار» می‌سازد، جهان شاهد برپاشدن دیواری گشت که مرز میان یک ملت نیست.

دیواری که فلسطین و فلسطینیان را از حق زندگی محروم می‌کند، مرز میان بودن و نبودن است. مرز میان زندگی و مرگ است.

دیواری که خود عامل خشونت است.

دیواری که نه تنها راه مبادله و مذاکره را سد می‌کند، بلکه راه را بر نفس کشیدن می‌بندد. راه را بر منظر و نظاره می‌گیرد تا تو تنها خون‌بینی و در وحشت از آن یا بگریزی و یا در چالهی نفرت فرو روی.

دیواری که امید به آینده را تاریک می کند.
دیواری که آینده‌ی کور چشمی جامعه‌ی بشری است بر هر آن چه تا به حال به عنوان «حق» برای انسان شناخته شده بود.
دیواری که انعکاس سکوت است بر حضور نفرت.
و ما سکوت می کنیم. و من سکوت می کنم. و دیوار روز به روز بالاتر می رود. و دیوار روز به روز به درون تر می رود.
ریشه می دواند. خود را در اندیشه های کودکانی که هر روز از کنارش برای رفتن مدرسه می گذرند بازتولید می کند.
و من سکوت می کنم. و ما سکوت می کنیم و همه‌ی آن جوانانی که با دست و تیشه و سنگ به جان دیوار برلن افتاده بودند سکوت می کنند؟ و همه ی قربانیان سکوت می کنند.
همه حامیان حقوق بشر سکوت می کنند، و دیوار هم چنان بی صدا پیش می رود.

دیوار آپارتاید و پیامدهای فاجعه بار آن برای ملت فلسطین

بهروز عارفی

هنگامی که در ۹ نوامبر ۱۹۸۹، دیوار برلین فروریخت، جهانیان هورا کشیدند و جشن گرفتند. فروپاشی این دیوار زمینه های اتحاد دو آلمان را فراهم کرد. دیوار برلین که در سال ۱۹۶۱ میلادی کشیده شد، دو نیمه شرقی و غربی شهر برلین را از هم جدا می کرد و نیمه غربی را چون جزیره ای دربر می گرفت. دیوار ۴۳/۱ کیلومتر طول داشت و ارتفاع آن به سه متر می رسید. ساختمان این دیوار که در چارچوب «جنگ سرد» می گنجید، اعتراض ها و نفرت های فراوانی برانگیخت و «جهان آزاد» را سخت بر آشفته. هنگام فروپاشی دیوار برلین، کمتر کسی تصور می کرد که با گذشت زمانی نه چندان دراز، دولتی جرات کند که دیواری بلند تر، طولانی تر، مجهز به همه ابزار مدرن کنترل و با برج و باروهای فراوان در وسط سرزمین دیگران بکشد و با این اقدام، بخش بزرگی از خاک آنان را نیز غصب کند، اما آب از آب تکان نخورد!

چنین رخدادی با پیشنهاد اهود باراک (نخست وزیر پیشین اسرائیل) و تصمیم آریل شارون نخست وزیر جنایتکار اسرائیل در ژوئن سال ۲۰۰۲ انجام شد. ساختمان دیواری به طول ۷۰۹ کیلومتر (و شاید کمی هم بیشتر) و با بودجه ی ۲ میلیارد یورویی آغاز شد که سرزمین های کرانه باختری را از هم گسسته و زندگی روزمره فلسطینیان را تیره و تار ساخت و اما همان «جهان آزاد» یا به زبان رایج روز، «جامعه بین المللی» فقط به موضع گیری های توخالی و اعتراضات بی آب و رنگ بسنده کرد. این دو برخورد متناقض نسبت به دو پدیده مشابه، نمونه بارز وجود سیاست یک بام و دوهوا در سطح جهان است.

پس از آن که دولت های پی در پی اسرائیل، «روند صلح اسلو» را به شکست کشانیدند، گسترش شهرک های استعماری (کولونی ها) را در کرانه باختری رود اردن و منطقه بیت المقدس تشدید کردند، بارها به سرزمین های فلسطینی لشکرکشی کردند و فاجعه هائی چون کشتار جنین بوجود آوردند، انزوا و قتل یاسر عرفات را تدارک دیدند، نومیدی و یاس جای امید به آینده را در دل تک تک فلسطینی ها و بویژه جوانان گرفت و روزگار تاریک تری برای فلسطینیان آفرید که به از سرگیری انتفاضه دوم منجر شد و در پی آن بر تعداد عملیات انتحاری نیز در اسرائیل افزوده شد. دولت اسرائیل که در تمام دوران مذاکرات، از «امنیت اسرائیل» همچون شمشیر داموکلس بر فراز سر فلسطینی ها استفاده می کرد، به بهانه پیشگیری از «عبور تروریست های فلسطینی» طرح ساختمان دیوار را به اجرا گذاشت.

ساختمان دیوار «حائل» یا «جدائی» که فلسطینیان نام «دیوار ننگ» بر آن نهادند، از شمال کرانه باختری و دهکده سلم مجاور جنین شروع شد و به سوی جنوب کشیده شد. با تغییر مسیر دیوار بدستور شارون، دیوار که در شش کیلومتری داخل سرزمین های فلسطینی کشیده می شد در نزدیکی های قلقیلیا تا ۲۲ کیلومتر وارد کرانه باختری می شد. این دیوار ۴۷ شهرک استعماری مهاجرنشین را که بر روی زمین های غصب شده بنا شده اند، دور می زند. در شمال فلسطین، بویژه در جنین، تولکرم و قلقیلیا تا ۵۰ درصد زمین های فلسطین به اسرائیل الحاق می شود. زندگی ۸۵۰ هزار نفر مستقیماً مختل شده و امکان رفت و آمد (از آزادی تردد سخن نمی گوئیم!) را از دست داده اند. از ژوئن ۲۰۰۲ تا پایان سال ۲۰۰۳، ۱۴۰۲ خانوار از زمین های خود اخراج شدند و در حدود ۲۶۳ هزار نفر - دو هزار خانوار - ساکن ۴۲ دهکده در محاصره قرار گرفته اند. ۱۱۵ هزار فلسطینی میان دیوار و مرز سال ۱۹۶۷ محبوس شده اند.

در قلقیلیا در اطراف «خط سبز»، ۵۰ هزار نفر زندگی می کنند که ۸۰ درصدشان پناهنده اند. زمین های این محل بسیار حاصلخیز است. اسرائیلی ها در ابتدا، در سال ۱۹۹۶ سی هکتار از زمین ها را برای ایجاد جاده امنیتی غصب کردند. در سال ۱۹۹۷، ده هکتار دیگر برای تاسیس یک اردوگاه نظامی غصب شد. در سال ۲۰۰۲ با ایجاد منطقه «واسط» از دسترسی زارعان قلقیلیا به مزرعه هایشان جلوگیری کردند. از ۶۷ روستای واقع در شمال فلسطین، دست کم ۱۵ روستا میان خط سبز و دیوار زندانی شده اند.

از کل ۷۰۹ کیلومتر دیوار فقط ۱۵ درصد بر روی مرزسبز (خط آتش بس ۱۹۴۷) قرار دارد و بر طبق نقشه «دفتر هماهنگی امور انسانی سازمان ملل (OCHA)»، اسرائیل ۹/۵ درصد از سرزمین های فلسطینی (از ۲۲ درصد سرزمین تاریخی فلسطین که به فلسطینی ها وعده داده اند) را با تمام منابعش به خود ضمیمه می کند. این دیوار مانع دسترسی بخش های بزرگی از کرانه باختری به منابع آب نیز می گردد. دره رود اردن نیز از دسترسی فلسطینیان خارج می شود. وجود پاسگاه های نظامی که به چک پوینت شهرت دارند، ارتباط اهالی را با یکدیگر قطع کرده است. و چون این پاسگاه ها به هنگام شب بسته اند، دسترسی اهالی به پزشک و بیمارستان کاملاً غیر ممکن است. تازه هنگام روز نیز، همیشه باز نیستند و برای گذر از آنان، فلسطینیان بدترین بی حرمتی ها و توهین ها و استهزاها را تحمل می کنند و اغلب نیز مجبور به بازگشت می شوند. گذر از آنان کاری شاق است.

این دیوار علاوه بر الحاق سرزمین های فلسطینی، گاه روستاها را نیز به دونیم تقسیم می کند. برای ساختمان آن، مزارع فلسطینیان را در هم کوبیدند، درختان زیتون را از ریشه کردند، از دسترسی زارعان به آب جلوگیری کردند تا آنان را وادار به تسلیم کنند ولی فلسطینیان با دستان خالی مقاومت کردند و زمین های خود را رها نکردند. دیوار با تکه تکه کردن سرزمین های فلسطینی، آن ها را محبوس کرده و از آنچه از فلسطین تاریخی بجا مانده، تکه هائی از بانئوستان های جدا از هم می سازد. و به همین دلیل است که آن را دیوار آپارتاید یا تبعیض نژادی نیز می خوانند. تنها فلسطینی ها و پشتیبانان خستگی ناپذیر همیشگی آنان نیستند که دیوار را محکوم کرده اند. کم نبودند شخصیت های مشهور غربی که فلسطین را با بانئوستان های آفریقای جنوبی دوران آپارتاید مقایسه کرده اند. برای نمونه میتوان از جیمز کارتر رئیس جمهوری پیشین آمریکا نام برد.

هرچند، مراجع بین المللی به موضعگیری های صوری بسنده کردند ولی افکار عمومی جهان و بویژه نیروهای مترقی در چهارگوشه جهان به نكوهش از دیوار برآمدند و در این مبارزه نابرابر فلسطینیان را تنها نگذاشتند.

در درون اسرائیل نیز، به رغم پشتیبانی اکثریت مردم از طرح دولت اسرائیل، با این گمان نادرست که دیوار موجب توقف سوءقصد ها می شود و برای آنان «امنیت» می آورد، انجمن ها و سازمان های طرفدار حقوق بشر و صلح طلبان این کشور برای یاری مردم فلسطین در مبارزه با دیوار در کنار آنان قرار گرفتند.

در این مبارزه، یکی از روستاها با مبارزه ای بی پایان و بدون توسل به خشونت زبانزد شد. روستای بلعین واقع در نزدیکی رام الله با کشیدن دیوار، تکه تکه شده است و روستائیان قادر به رفتن به مزرعه و حتی دیدار همدیگر نیستند. دیوار ۶۰

در صد از اراضی دهکده را به اسرائیل ضمیمه کرده است. روستائیان با یاری تشکلاتی نظیر «گوش شالوم» (مجموعه صلح به رهبری اوری آونری)، «آنارشویست ها علیه دیوار»، «انجمن بلعین» و ... چندین سال است که با اشغالگران اسرائیل به پیکار برخاسته اند و در این راه شهید هم داده اند. تا کنون ۱۶ فلسطینی و از جمله ۱۱ کودک در تظاهرات علیه دیوار آپارتاید با گلوله سربازان اسرائیلی کشته شده اند. آخرین آن ها ابراهیم ابورحمه از اهالی بلعین بود که جمعه ۱۷ مارس ۲۰۰۹ به قتل رسید.

برای پشتیبانی از مردم بلعین در مبارزه با دیوار، کنفرانسی بین المللی بوجود آمده که دومین آن از ۱۸ تا ۲۰ آوریل ۲۰۰۷ در همان روستا برگزار گردید. در این کنفرانس شخصیت هائی چون دکتر عزمی بشاره (فلسطینی-اسرائیل و نماینده پیشین مجلس)، مارید کوریگان ماگویر (برنده جایزه صلح نوبل- ایرلندی)، دکتر ایلان پایه (از جریان مورخین جدید اسرائیل و نویسنده کتاب «پاکسازی قومی در فلسطین»)، لوئیزا مورگانتینی (ایتالیائی- عضو پارلمان اروپا)، استفان اسل (یکی از دو نویسنده منشور حقوق بشر سازمان ملل، مبارز خستگی ناپذیر صلح عادلانه)، امیره هس (روزنامه نگار مترقی اسرائیلی)، ژان کلود لوفور (نماینده مجلس از فرانسه) و نماینده کمیته مردمی بلعین شرکت داشتند.

در سال گذشته، سومین کنفرانس با پیام جیمی کارتر آغاز شد. امسال نیز کنفرانس بین المللی بلعین در روزهای ۲۲ تا ۲۴ آوریل ۲۰۰۹ برگزار شد. در قطع نامه پایانی کنفرانس خواسته شده است : [http://www.bilin-](http://www.bilin-village.org/francais/decouvrir-bilin)

[village.org/francais/decouvrir-bilin](http://www.bilin-village.org/francais/decouvrir-bilin))

- * محصولات اسرائیل بایکوت، سرمایه گذاری در این کشور متوقف و مجازات هائی علیه آن تعیین و عملی شود
- * جنایات اسرائیل در فلسطین به عنوان جنایت جنگی شناخته شوند
- * مقاومت بدون خشونت مردمی گسترش یافته و از آن پشتیبانی گردد
- * ایجاد جنبش بین المللی همبستگی با فلسطین

از نهادهائی که علیه دیوار به مبارزه برخاسته، دادگاه راسل در مورد فلسطین است. در نشست این دادگاه، در روز چارشنبه چهارم مارس ۲۰۰۹، استفن اسل چنین گفت:

«دادگاه راسل در مورد فلسطین قصد دارد بر تقدم حقوق بین المللی به عنوان رکن راه حل مناقشه اسرائیل- فلسطین تاکید کند... دیوان داوری بین المللی در ابراز نظر در مورد پیامدهای کشیدن دیوار در سرزمین های اشغالی فلسطین، مواد مناسب حقوق بین المللی بشردوستانه و نیز حقوق بشر از منظر حقوق بین المللی و ده ها قطع نامه بین المللی را در مورد فلسطین چنین تحلیل می کند: وظیفه این دیوان، توجه به عدم اجرای حقوق است در حالی که این مسئله بوضوح به اثبات رسیده است. کار ما از آن جا شروع می شود که دیوان داوری بین المللی متوقف شده است: تاکید بر مسئولیتی که حقوق بین الملل تعیین می کند، از جمله مسئولیت جامعه بین المللی. این جامعه نمی تواند همچنان از وظایفش شانه خالی کند. (...)

حقوق بین المللی نباید ملعبه دست سیاست یک بام و دو هوا شود. ...

نکوهش از نقض حقوق بشر کافی نیست، باید برای پایان بخشیدن به آن تلاش کرد. در حالی که دولت های ما، نه فقط با بی عملی خود دچار خطا می شوند، بلکه همچنین گاهی با کمک مستقیم یا غیر مستقیم به ثبات بی عدالتی ها نیز چنین خطائی مرتکب می شوند. لذا، بسیج ما برای واداشتن این دولت ها برای اتخاذ تصمیم های ضروری، امری اساسی است. (...)

ادامه مصونیت از مجازات، ادامه اشغال را تشویق می کند، چشم انداز ایجاد دولت فلسطین پایدار را نابود ساخته، بی عدالتی را دائمی می کند و ستمدیدگان را ناگزیر به خشونت سوق می دهد. با برخاستن و اعتراض علیه این مصونیت از مجازات، که شصت سال است ادامه دارد، ما می خواهیم که این منطقه سرنوشت دیگری بیابد...»

دولت اسرائیل به موازات ساختمان دیوار، تلاش به عربی زدائی شهر بیت المقدس کرده و تلاش می کند که به این شهر، که برای سه مذهب یکتاپرست «مقدس» بشمار می آید، هویتی یهودی بدهد. در کنار دیوار، با گسترش شهرک های استعماری، دویست هزار نفر را در این شهر اسکان داده اند تا بازگشت به شرایط پیشین بیش از پیش دشوار و یا حتی غیر ممکن گردد. دولت اسرائیل با همدستی شرکت های فرانسوی و از جمله آلستوم در حال ساختن تراموایی در این شهر است که با جداکردن کامل مناطق فلسطینی نشین و یهودی نشین، زمین های بیشتری از فلسطینی ها را غصب کرده و در واقع شهر بیت المقدس را مصادره می کند.

دیوار آپارتاید علاوه بر غصب زمین های فلسطینی، ناممکن ساختن زندگی روزمره فلسطینی ها، امکان ایجاد هر دولت پایدار و قابل دوامی را برای فلسطینی ها ناممکن می سازد. هدف اصلی اسرائیل از ساختن دیوار، علاوه بر کنترل فلسطینی ها در دو سوی دیوار، زدن ضربه کاری به ایجاد هر دولت مستقل و پایدار فلسطینی است. اسرائیل با محبوس کردن فلسطینی ها در آن سوی دیوار، در واقع اسرائیلی ها را نیز زندانی می کند.

سیلوان سیپیل، که دوازده سال خبرنگار لوموند در اسرائیل بود، در کتابی با عنوان «زندانی ها، جامعه اسرائیل در بن بست» تصویر بسیار درستی از جامعه اسرائیل بدست می دهد و نشان می دهد که این جامعه با سیاست دولت های اسرائیل در واقع خود را «محبوس» ساخته است. او تلاش کرده تا اسرائیل را از نگاه «پائینی های» جامعه بررسی کند. در یک سوم از کتاب، رودروئی جامعه اسرائیل با تاریخ خودش مورد بررسی قرار می گیرد. «ماجرای تانتورا و فراتر از آن، تکان حاصل از پژوهش های «مورخین جدید» اسرائیلی در مورد اخراج فلسطینی ها. گفتار سنتی نفی و خودخواهی، برداشت های امنیتی از محیط زیست، شرق شناسی اسرائیلی، تحول بنی موریس مورخ «نمونه»، محتوای کتاب های درسی دیروز و امروز...». سپس نویسنده از فسادی سخن می گوید که جامعه اسرائیل را فراگرفته است...

آنچه سیلوان سیپیل از عوارض فساد توضیح می دهد، برای تکان دادن انسان ها کافی است. تأثیر فساد بروحیه مردم، تجاوز به آزادی ها و مک کارتیسم، استعمارگرایی جامعه اسرائیل، خشونت بار شدن آن، تیز تر شدن ناسیونالیسم، آن جامعه را تا سرحد جنگ داخلی و حتی کودتای نظامی پیش برده است (همانطوریکه واکنش ها در رابطه با عقب نشینی از غزه نشان میدهد) به یقین اکثریت اسرائیلی ها خواهان پایان کشمکش هستند و اقلیتی از آنان شجاعانه برای رسیدن به آن مبارزه می کنند. اما آن ها بیش از آن «زندانی» خویش اند که بتوانند پیروز شوند؟»

دیوار ننگ، فقط فلسطینی ها را از اسرائیلی ها جدا نمی کند، این دیوار بویژه فلسطینی ها را از فلسطینی ها جدا کرده، روابط اقتصادی، اجتماعی و حتی خانوادگی جامعه فلسطین را بر هم زده، کشاورزی و تجارت آن را داغان کرده و بر فقر آنان می افزاید. یکی از اهداف ساختمان دیوار، نابودی شالوده اجتماعی - اقتصادی فلسطین است.

این دیوار، اسرائیلی ها را نیز در زندانی که خودشان ساخته اند «زندانی» می کند.

با این که دولت کنونی اسرائیل، راست ترین دولت تاریخ شصت ساله این کشور است و وزیر امور خارجه آن، آویگدور لیبرمن دست کمی از نئو فاشیست های اروپائی ندارد و در سر، فکر اخراج همه فلسطینی ها را از سرزمین آباء و اجدادی شان می پروراند. دو واقعه تأثیر تعیین کننده ای در چشم انداز سیاسی منطقه خاورمیانه و خصوصا کشمکش فلسطین - اسرائیل دارد. موضوع مهم، تجاوز اسرائیل به غزه در زمستان سال گذشته است که جهانیان را علیه این کشور و سیاست های استعماری و تجاوزکارانه آن برانگیخت. سازمان ملل اسرائیل را به ارتکاب جنایت های جنگی متهم کرد. عامل دیگر انتخاب اوباما و تغییر سیاست دولت او در قبال اسرائیل در مقایسه با سیاست رئیس جمهور پیشین امریکاست. برای نخستین بار، به نظر می رسد که ایالات متحده تمایل ندارد دنباله رو کور سیاست های دولت اسرائیل باشد. آمریکا مهم ترین منبع مالی و تسلیحاتی اسرائیل و نزدیک ترین متحد آن است ولی این بار تمایل دارد به فکر حفظ منافع خود در این منطقه حساس و نفت خیز و رابطه با کشورهای عربی و جهان اسلام نیز باشد.

«ایالات متحده، فرانسه، اتحادیه اروپا و روسیه از دولت اسرائیل خواستند تا به مستعمره سازی در فلسطین خاتمه دهد». دانی آیلون معاون وزارت خارجه اسرائیل در اطلاعیه ای چنین واکنش نشان داد: «اسرائیل بر حسب منافع ملی و بویژه در اموری که به بیت المقدس مربوط می شود، عمل کرده و خواهد کرد. نمی توان حق اسرائیل را بر بیت المقدس و توسعه آن نادیده گرفت.» (لوموند، ۲۱ ژوئیه ۲۰۰۹)

همان طوری که اشاره شد، شرایط تا حدی تغییر کرده است:

بمناسبت پنجمین سالگرد اعلام نظر مشورتی دیوان داوری بین المللی که دیواری را که اسرائیل برای جدا کردن آن کشور از کرانه باختری کشیده، غیرقانونی خواند، دفتر هماهنگی امور انسانی سازمان ملل روز چهارشنبه ۸ ژوئیه چگونگی وضعیت فلسطین را منتشر کرد و نوشت: «این حصار ایزاری برای محدود کردن رفت و آمد و زندگی فلسطینی هاست.» «این دیوار بخشی از نظم عمومی بن بستی است ... که بر تحرک فلسطینی ها تاثیر گذاشته و فضای آنان را محدود تر کرده و بر قطعه قطعه شدن کرانه باختری رود اردن می افزاید. ...» (لوموند، ۸ ژوئیه ۲۰۰۹) آیا، این همه اسرائیل را وادار به عقب نشینی خواهد کرد؟ نباید زیاد خوش بین بود. از حوادث شصت سال گذشته، چنین چیزی بر نمی آید.

آیا زمان آن فرا نرسیده که بر بی قانونی بین المللی در این سرزمین کوچک نقطه پایانی گذارده شود؟ با توجه به پراکندگی سیاسی در درون فلسطین، و بویژه توازن نیرو در منطقه و جهان، نمی توان در مورد آینده کشمکش فلسطین-اسرائیل خوش بین بود. ولی روزنه هایی به چشم می خورد که هر چند ناچیز، خبر از آرزوی جهان دگری می دهد. آیا شرایط اجازه خواهد داد که رنج مردم فلسطین نیز نقطه پایانی بر خود ببینند؟ این را مبارزه ملت ها به ویژه خود اعراب و در نتیجه، تغییر در توازن قوای بین المللی تعیین خواهد کرد.

۲۵ ژوئیه ۲۰۰۹

شرم آورا است

تعصب دینی بر اسرائیل مسلط شده است

شولامیت آلونی *

ترجمه ی محمد ربوبی

مدت زیادی از سخنرانی های نژادپرستانه ی رابین ، مایر کاتان ، سپری نشده بود که از نویسنده و روزنامه نگار فقید، *آموس آلون*، رونوشت نامه ای را که *لرد روتشیلد*، در اوت ۱۹۰۲ به هر تسلا [بنیان گذار صیهونیسیم و سازمان دهنده نخستین کنگره صیهونستی در سویس] نوشته بود دریافت کردم . در این نامه، *روتشیلد* توضیح داده است که چرا از تاسیس دولت اسرائیل در این سرزمین پشنیبانی نمی کند. او در این نامه نوشته است :

« تصور تاسیس یک مستعمره یهودی برایم دهشتناک است . ایجاد این مستعمره، دولتی خواهد بود در داخل دولت . دولت کوچکی خواهد بود، ارتودوکس و کوتاه بین که مسیحی ها و غیر یهودی ها را محروم می کند .»

با این وجود وعلیرغم پدیده هایی مانند کاتان ، سالیانی در این سرزمین امید وار بودیم که پیش بینی *روتشیلد* تحقق نخواهد یافت . امیدوار بودیم که اسرائیل واقعا « حقوق اجتماعی و سیاسی همه شهروندانش را ، صرفنظر از دین و مذهب شان ، نژادشان ، و جنسیت شان تضمین می کند.» و نیز « آزادی دین و مذهب، معتقدات ، زبان، آموزش و فرهنگ همه شهروندانش را تضمین می کند. » همان طور که در اعلامیه استقلال اسرائیل ذکر شده است .

سال‌ها سپری شده و *کانان* جانشین‌هایی داشته است. نه تنها در بین جمعی آدم‌های حریص و بی‌پروا، بلکه حتی در بین «نمایندگان منتخب درمجلس (کنست)» و در بین گروه کوچکی در درون حکومت. حال این گروه کوچک، دست اندرکار است، قوانین آشکارا نژادپرستانه‌ای وضع کند و دستجات پلیس را روانه کند تا جلسات فرهنگی بین‌المللی را که فلسطینی‌ها سازمان داده اند برهم زنند. زیرا، به نظر این حکومت، فلسطینی‌های بومی این کشور، شهروندان درجه دوم محسوب می‌شوند. وضع‌کنندگان این قوانین معتقد نیستند که حقوق بشر شامل اعراب نیز می‌شود. از حقوق فرهنگی آنها، از حق مسکن، و حتی از حق داشتن زمین نیز صرف‌نظر کنیم. چرا چنین است؟ چون، گویا چند هزارسال پیش، خداوند، مالکیت این سرزمین را به قوم برگزیده‌ی یهود و فرزندان آنها وعده داده است!

جای بسی تاسف و شرم آوراست، آن‌چه روتشیلد پیش‌بینی کرده بود، در این میان به وقوع پیوسته است. پس از مبارزات به‌خاطر تالیس دولت، حتی در خطرناک‌ترین لحظات زندگی و در تیره و تاریک‌ترین خواب و خیالات خود، نمی‌توانستیم تصور کنیم طرفداران یاکونسکی در صددند با وضع قوانین نژادپرستانه ترس و وحشت ایجاد کنند. ما هرگز نمی‌توانستیم تصور کنیم، اینان از طریق دست‌کاری در نظام قضایی، تلاش می‌کنند عدالت اجتماعی و حقوق بشر را از بین ببرند - ارزش‌هایی که ضرورت‌ترین مبانی و اصول جامعه دموکراتیک هستند و همه مردان و زنان و کودکان، صرف‌نظر از نژاد و کیان، دین و مذهب یا جنسیت، از آن‌ها برخوردارند. چهل و دو سال است در سرزمینی که به ما تعلق ندارد، اشغالگر و سرکوب‌کننده شده‌ایم. آیا واقعا بایستی قزاق‌های چپاوغری شویم که مزارع و باغستان‌ها را نابود کنیم، زنان و کودکان و کهنسال‌ها را زجر دهیم؟ در ترانه‌ای چنین سروده شده:

«ما مالک این سرزمین هستیم، این سرزمین از آن ماست»

اما این ترانه می‌بایست چنین سروده شود:

«ما صاحب قدرت هستیم، قدرت از آن ماست. ما پول داریم، پول از آن ماست. ما مجازیم هرکاری بکنیم.»

یعنی: قومی را از گرسنگی از پا درآوریم، زندانی کنیم، و سرانجام با بمباران هوایی، با پرناب بمب‌های خوشه‌ای و فسفرسفید نابودشان کنیم. چون، ما صاحب و حاکم این سرزمین هستیم و خداوند ما را برگزیده است! سلطه‌ی تعصب دینی بر اسرائیل شرم‌آور است.

* Shulami Aloni، در سال ۱۹۲۸ در تل‌آویو متولد شده است. در جوانی به سازمان دفاع از خود (هاگانا) پیوست و در جنگ‌های استقلال طلبانه شرکت کرد. در کابینه رابین وزیر آموزش و پرورش بود. آلونی که در رشته حقوق تحصیل کرده است، از سال ۱۹۹۶ برای بازگرداندن زمین‌های اشغالی به فلسطینی‌ها و دولتی سکولار مبارزه می‌کند.

برگرفته از روزنامه هارتس، تل‌آویو، ترجمه از متن آلمانی در فرانکفورتر روند شو، شماره ۱۳۴، ژوئن ۲۰۰۹



«دیوار ننگ» و گفته‌هایی در باره‌ی آن

نوآم چامسکی

«چیزی که در بحث مربوط به شهرک‌های استعماری (مهاجرنشین‌های یهودی) فراموش می‌کنند، این است که حتی اگر اسرائیل مرحله نخست «نقشه راه» را هم بپذیرد، کلیه طرح‌های مستعمره‌سازی که با بهره‌گیری از پشتیبانی ایالات متحده، گسترش یافته است، همچنان باقی خواهد ماند. از این طریق اسرائیل زمین‌های حاصلخیزی را که در نتیجه این دیوار غیر قانونی جداسازی به اسرائیل الحاق شده (از جمله منابع آب منطقه، و نیز دره رود اردن که بخاطر گسترش مستعمره‌ها بسوی شرق، تکه تکه شده) همه را از آن خود می‌کند.»

سازمان ملل متحد و «دیوار جداسازی»

از سال ۱۹۹۶، دولت اسرائیل طرحی را برای جلوگیری از ورود غیر مجاز به اسرائیل از نواحی مرکزی، و شمالی کرانه باختری مورد بررسی قرار داد.

در بهار ۲۰۰۲، شورای وزیران اسرائیل به بهانه عملیات مقومت و نفوذ مبارزان فلسطینی به داخل اسرائیل طرح ایجاد یک دیوار «پیوسته» در برخی نقاط کرانه باختری و بیت المقدس را به تصویب رساند.

مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳، اعمال خشونت بار، تروریسم و تخریب را محکوم کرده، و چون این خطر وجود دارد که مسیردیواری که اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از جمله بیت المقدس شرقی و اطراف آن می‌سازد، در مذاکرات آینده اخلاص ایجاد کرده و عملاً راه حل دو دولت را غیر ممکن سازد، ابراز نگرانی کرد [توجه شود که مقاومت مبارزان فلسطینی همه تروریسم است و باید محکوم شود؛ اما تروریسم دولتی اسرائیل که تمام حقوق و معیشت و حتی هستی یک ملت را دارد به نابدی می‌کشد فقط ابراز نگرانی «جامعه بین‌المللی را بر می‌انگیزد. م.ا. مجمع عمومی از اسرائیل خواست تا کارهای مربوط به ساختمان دیوار را متوقف کرده و نسبت به انهدام این دیوار که از خط ترک مخاصمه ۱۹۴۹ فاصله گرفته و با حقوق بین‌المللی در تناقض است، اقدام کند [البته اسرائیل به این توصیه نیز مثل همه توصیه‌های دیگر کوچکترین اعتنائی نکرده است و همه اینها بدون کوچکترین مجازات و حتی سرزنشی. م.ا.]

نظر مشورتی دیوان داوری بین المللی

در نوامبر ۲۰۰۳، مجمع عمومی سازمان ملل از دیوان داوری بین المللی (دادگاه لاهه) خواست در مورد پی آمدهای کشیدن دیوار از منظر حقوق بین المللی نظر مشورتی فوری بدهد.

این دادگاه در ۹ ژوئیه ۲۰۰۴ اعلام کرد:

ساختمان دیواری که اسرائیل، نیروی اشغالگر در سرزمین های اشغالی فلسطین می سازد و از جمله در داخل و پیرامون بیت المقدس شرقی، ووضیعتی که ساختمان این دیوار به وجود می آورد، خلاف قانون بین المللی است. دیوان مزبور سپس ادامه می دهد:

«اسرائیل موظف است کلیه خسارت هائی که ساختمان دیوار در سرزمین های اشغالی فلسطین و از جمله در داخل و پیرامون بیت المقدس شرقی وارد آورده، جبران کند.» [معلوم نیست چرا رأی دادگاه لاهه وقتی به اسرائیل مربوط می شود معنای توصیه به خود می گیرد. چرا درباره میلوزویچ لازم الاجرا بود ولی برای اسرائیل چنین نیست. «سیاست یک بام و دو هوا» هر مفهومی را از عدالت بین المللی بی اعتبار کرده است. م.]

اتی ین بالیبار (فیلسوف و استاد دانشگاه پاریس) و هانری کورن (زیست شناس و عضو آکادمی علوم فرانسه) در بیانیه ای با عنوان «باید دیوار آپارتاید را در فلسطین نابود ساخت» (لوموند، ۹ اوت ۲۰۰۲) می نویسند:

...

«این دیوار، یا مستقیماً جمعیت را جا بجا می کند یا بطور غیرمستقیم با جلوگیری از دسترسی مردم به امکانات زندگی، آنان را از سرزمین شان بیرون می راند، بطوری که اهالی مجبور به ترک روستاها و نهایتاً کشورشان شوند، چنان که برخی در اسرائیل علناً آن را بر زبان می آورند.

برای فراهم کردن زمینه ساخت این دیوار و برای ساختن آن، خانه ها را ویران، جاده ها را بسته، درختان را قطع و زمین ها و منابع آب را غصب می کنند. با ساختمان دیوار، کودکان نمی توانند به مدرسه بروند، مردم بیکار می شوند و خانواده ها بی خانمان می گردند. تخمین زده می شود که بین نود تا دویست و ده هزار تن از اهالی کرانه باختری هم اکنون از دیوار صدمه دیده اند....

این دیوار، وجود مستعمره ها را همیشگی می کند. یادآوری کنیم که این شهرک ها از نگاه حقوق بین المللی غیرقانونی اند... با منزوی ساختن بیت المقدس شرقی، دیوار الحاق آن را به اسرائیل تدارک می بیند... با وجود دیوار ارتباط میان فلسطینیان غیر ممکن می گردد....

این دیوار بتونی با تمام تجهیزات، برج های دیده بانی، نگهبانان و لوازم الکترونیکی مراقبت، فلسطینی ها را زندانی می کند، فلسطینیانی که دوام آورده و موفق شده اند تا بر روی تکه زمین ناچیزی در سرزمین خودشان، مقاومت کنند. دیوار باعث اسارت یک خلق است. از پیامدهای آن، که طعنه تلخی است زاییدهء طرح فتوحات و سیطره اسرائیل، این است که مردم اسرائیل را با همه «تیروهای دفاعی» اش، به زندانبانان یک اردوگاه تبدیل می کند. به همین جهت درک این موضوع ساده است که چرا شمار قابل توجهی از جوانان اسرائیل زندان را بر خدمت سربازی ترجیح می دهند. ...

با دوره جدیدی از فاجعهء فلسطین، یعنی با «النکبه» جدیدی روبرو هستیم. بجای «دولت فلسطینی پایدار» که جامعه بین المللی وعده اش را داده بود ... وصله پینه هائی از بانتوستان و اردوگاه های پناهندگان خواهیم داشت. نه تنها چنین «دولتی» از نظر اقتصادی، فرهنگی و اداری قابل دوام نمی باشد، بلکه از نظر انسانی نیز قابل زندگی نخواهد بود. ضربه ای که از نقطه نظر موجودیت به خلق عرب فلسطین وارد می شود، با ابعاد اخراج سال ۱۹۴۸ و اشغال ۱۹۶۷ قابل مقایسه است. لابد، برای از پا درآوردن خلقی که نمی خواهد از میان برود، باید به شدیدترین شیوه ها متوسل شد....

شاهدیم که چه برای حال و چه آینده، دیوار آستن چیزی نیست جز فقر و اخراج فلسطینی ها از میهنشان، وحشت و ترور و جنگ بی پایان.

در مقابل این فاجعه چه خواهیم کرد؟ به بهانه اصل عدم مداخله، تماشاگر بی عملی خواهیم ماند تا بعد ها بگوئیم که شاهد عینی جنایت علیه بشریت بودیم... این ننگ است...

... باید سیاست تخریب و الحاقی که اسرائیل دنبال می کند، متوقف شود... سیاست های دولت شارون وضع را وخیم تر نیز کرده است»

پاپ و «دیوار جداسازی»

پاپ بندیکت شانزدهم، در سفر به سرزمین های اشغالی فلسطین (ماه مه ۲۰۰۹)، از دیوار آپارتایدی که اسرائیل در فلسطین می کشد، دیدن کرد و با اهالی اردوگاه «عیده» گفتگو کرد و گفت «روایت آنان از شرایط زندگی شان در کرانه باختری و غزه، تکان دهنده است.» او افزود «با نگرانی خاطر شاهد زندگی پناهندگانی بودم که چون خاندان مقدس مجبور به فرار از خانه و کاشانه شان شدند.» ... «نزدیک اردوگاه و در بخشی برآمده از بیت لحم، من همچنین دیوار را دیدم که به سرزمین های شما تجاوز کرده، همسایگان را از هم جدا و خانواده ها را از هم رانده است»

پاپ پس از بازدید از دیوار، ضمن پشتیبانی از ایجاد دولت مستقل فلسطین، گفت «می توان دیوار ها را ویران ساخت» و از جمله «این دیوار تراژیک را».

«دیوار» و اسرائیلی ها

گوشه ای از گفته های اسرائیلیان طرفدار صلح

اوری آونری، ۲۵ اوت ۲۰۰۷

... سال هاست که سازمان ملل متحد طرح تقسیم فلسطین را تصویب کرده است. در اولین طرح سال ۱۹۴۷، بخش بزرگتری برای فلسطینی ها در نظر گرفته شده بود که در طرح های بعدی بین المللی کمتر و کمتر شد... راه حل دو دولت که در اوایل سال های دهه ۱۹۹۰ مورد توافق واقع شد تا کنون به جایی نرسیده است... آخرین فصل از غضب فلسطین به دست اسرائیل کشیدن دیواری است که در مناطقی از کرانه غربی رود اردن در اعماق سرزمین های فلسطینی پیش می رود و بیت المقدس شرقی را کاملا از فلسطین جدا می کند.

در چنین شرایطی نه امکان دارد یک دولت فلسطینی با برخورداری از حقوق برابر در کنار اسرائیل ایجاد شود و نه زمینه های مذهبی اختلاف در این منطقه از بین خواهد رفت.

اگر روزی دولت مستقل فلسطین در بخشی از سرزمین تاریخی فلسطین ایجاد شود، این دولت کوچک دقیقا در میان دیوار ها محصور خواهد بود و از لحاظ اقتصادی به هیچ وجه دوام نخواهد یافت و زندانی اسرائیل و کشور های عربی مجاور خواهد بود. ... و از مقاله ای تحت عنوان دیوار شیطان، ۳ مه ۲۰۰۳:

«افکار عمومی بدون این که بدانند، از «دیوار جداسازی» پشتیبانی می کنند... باید بدون هیچ ابهامی گفت که این دیوار هیچ ربطی به امنیت ندارد.

دیوار شیطان تنها وسیله ای برای پراکنده ساختن فلسطینی هاست... این دیوار، بیش از همه، مانعی برای اسرائیل است. دیواری در مقابل صلح آینده، امنیت و رفاه. »

بخش هائی از مقاله دیوار ننگ،

«دیوار امنیتی» که دولت اسرائیل گرداگرد سرزمین‌های کرانه باختری رود اردن و بیت المقدس می کشد چشم انداز جغرافیائی و سیاسی خاورمیانه را از اساس تغییر خواهد داد. اسرائیل با کشیدن حصارى که ارتفاعش سه برابر دیوار برلین و پهنایش دو برابر آن است (دیوار برلین را آلمان شرقی «دیوارصلح» می نامید و آلمان غربی دیوار ننگ) به طور یک جانبه بخش قابل توجهی از ساحل غربی را به خود ملحق کرده و موانع نظامی دور شهرهای فلسطینی را تنگ تر ساخته و در نتیجه اهالی را کاملاً محبوس کرده است. فلسطینیان کرانه باختری به سرنوشت فلسطینی‌های غزه دچار خواهند شد. هدف اولین مرحله این طرح جدا سازی اسرائیل از بخش اعظم شمال سرزمین‌های کرانه باختری است... [با این دیوار مناطق متعددی از همین ۲۲ درصد از خاک فلسطین تاریخی را — که گفته اند قرار است «دولت فلسطین» در آن برپا شود — غصب می شود] نواحی فلسطینی مانند دهکده کفین از ۶۰ درصد از اراضی کشاورزی خود محروم شده و نواحی دیگری مانند شهر قلقیلیا نه تنها زمین‌های کشاورزی خود را از دست میدهد، بلکه به خاطر وجود این حصارها ارتباطش هم از سرزمین‌های ساحل غربی و هم از اسرائیل قطع می گردد. هر کیلومتر از دیوار این بخش، برای دولت اسرائیل یک میلیون دلار تمام می شود. این دیوار توسط جدارهای بتونی ۸ متری و برج‌های دیدبانی در فاصله هر ۳۰۰ متر و نیز با خندق‌هایی با عمق ۲ متر، سیم‌های خاردار و جاده‌های انشعابی (که محلات فلسطینی را دور می زند) تقویت می گردد.

اولین قسمت دیوار (ازشمال) به طول ۹۵ کیلومتر از سلم تا کفرقاسم کشیده شده و ۱/۶ درصد از اراضی کرانه باختری را عملاً به اسرائیل الحاق می کند که شامل ۱۱ مستعمره (کولونی) اسرائیلی است و ۱۰ هزار فلسطینی. دولت یهود در نظر دارد این ناحیه را به گونه‌ای به اسرائیل ملحق کند که هنگام از سرگیری مذاکرات بر سر وضعیت نهائی فلسطین، بازگشت به عقب آن چنان از نظر سیاسی گران تمام شود که این الحاق غیرقابل برگشت تلقی گردد. اینجاست که با استراتژی تغییر مکان خط سبز (مرزهای ۱۹۶۷) روبرو هستیم.

دولت یهود برای تحکیم کنترل بیت المقدس بزرگ برنامه ساختمان سازی را در این منطقه متمرکز ساخته است. در «نقشه توسعه اورشلیم» که در آغاز سال به تأیید شارون رسیده است، دیوار بر اساس محدوده‌ای از بیت المقدس کشیده میشود که اسرائیلی‌ها آن را پس از الحاق بیت المقدس شرقی در ۱۹۶۷ تعیین کرده‌اند و علاوه بر آن دو ناحیه بزرگ مجتمع استعماری گیوون و معال آدومیم را بیرون از منطقه الحاقی قرار دارند دربر می گیرد.

آن چه را که ساخته شده برای خود حفظ خواهیم کرد

در حال حاضر، توجه اسرائیل متمرکز است بر ساختن موانعی که مناطق اسرائیلی را از اهالی فلسطینی جدا می کند. در شمال، اسرائیل دیواری ساخته است که از منقطه قلندیه می گذرد، به منظور آن که بیت المقدس را از رام الله جدا سازد. در شرق، به موازات جبل‌الزیتون یک دیواره بتونی ساخته شده تا مناطق فلسطینی ابودیس و عزاریه را از بیت المقدس جدا سازد. در جنوب، یک دیوار و خندق، بیت اللحم را از بیت المقدس جدا می کند و علاوه بر آن بخش قابل ملاحظه‌ای از زمین‌های شهری فلسطینی را به اسرائیل ملحق می سازد. بدین ترتیب، اسرائیل محوطه‌ای را که به مقبره راشل معروف است — و هم برای یهودیان و هم برای مسلمانان مقدس به شمار می رود — به خود الحاق می کند، در حالی که این ناحیه کاملاً در داخل بیت اللحم و در حاشیه اردوگاه پناهندگان قرار دارد.

با پایان ساختمان دیوار از شمال ساحل غربی تا بیت المقدس، دولت یهود ۷ درصد از اراضی ساحل غربی را به خود ملحق می سازد که ۳۹ مستعمره (کولونی) و تقریباً ۲۹۰ هزار فلسطینی را دربر می گیرد. از این عده هفتاد هزار نفر به طور رسمی، حق اقامت در اسرائیل نداشته و لذا حق سفر یا استفاده از خدمات اجتماعی اسرائیلی را ندارند. آن هم در حالی که اسرائیل امکان زیست آنان را در سرزمین‌های کرانه باختری به کلی از بین برده است. شرایطی که این ۷۰ هزار نفر در آن بسر می برند فوق العاده آسیب پذیر است و شک نیست که آنان به تدریج مجبور به مهاجرت خواهند شد. اگر دیوار به سمت جنوب تا الخلیل (هبرون) ادامه یابد، تخمین زده می شود که اسرائیل ۳ درصد دیگر از اراضی را نیز به خود ضمیمه کند.

دولت اسرائیل بنا بر این اصل که می گوید: «هرآنچه را که امروز ساخته شود، فردا برای خود حفظ خواهیم کرد» ساختمان دیوار و گسترش کولونی‌ها را عملی می سازد. هر چند این اعمال برخلاف قوانین بین‌المللی و از جمله ده‌ها قطعنامه سازمان ملل متحد

است، اما در قطعنامه‌ها هیچگونه ساز و کاری برای جلوگیری از این خلاف قانون‌ها وجود ندارد. اگر پارامترهای پیشنهادی پریزیدنت کلینتون را در دسامبر ۲۰۰۰ به خاطر بیاوریم که می‌گفت «هر آن چه در بیت المقدس یهودی ست اسرائیلی خواهد شد و آن چه عربی ست فلسطینی»، خواهیم دید که چرا گسترش و تقویت مستعمره‌ها موجب می‌شود که برچیدن آن‌ها گران‌تر و بازهم دشوارتر گردد.

گرد آوری و ترجمه: بهروز عارفی

اسناد و مراجعی در مورد دیوار آپارتاید:

نقشه‌ها:

نقشه دیوار جداسازی میان اسرائیل و فلسطین (از سازمان حقوق بشری اسرائیل بت سلم)

http://www.populationdata.net/images/cartes/asia/proche-orient/israel/palestine_israel_mur_octobre_2003.jpg

نقشه دیوار جدائی در بیت المقدس شرقی (لوموند دیپلماتیک)

<http://www.populationdata.net/images/cartes/actus/palestine-jerusalem-est-fev07.jpg>

مصاحبه‌ی مجله آرش با آلن گرش

عضو تحریریه ماهنامه لوموند دیپلماتیک

فلسطین: مظهر تمام عیار بی عدالتی غرب و اسرائیل

- میخواستیم نظر شما را در مورد تحولات اوضاع فلسطین و بویژه در رابطه با «دیوار امنیتی» به گفته اسرائیل یا «دیوار تبعیض نژادی» به گفته فلسطینی‌ها که در سرزمین‌های اشغالی کشیده شده بدانم. آیا هدف اصلی اسرائیل این نیست که نخستین بار مرزی برای خودش درست کند؟

* باید در ابتدا گفت که دیوار بر روی «مرزی» که منطبق بر خط آتش بس ۴ ژوئن ۱۹۶۷ باشد، قرار ندارد. طول این «مرز» ۳۵۰ کیلومتر است در حالی که طول دیوار به ۷۰۰ کیلومتر می‌رسد. دیوار کاملاً در داخل خاک فلسطین قرار دارد و بخشی از سرزمین‌های فلسطینی را در بر می‌گیرد. به عقیده من خط جدید مرزی را ترسیم نمی‌کند. بنظر من این ایده که گویا اسرائیل می‌خواهد بر سر مرز جدیدی مذاکره کند، درست نیست. برای اسرائیل، دیوار یکی از راه‌های کنترل سرزمین‌های فلسطین و تقسیم آن سرزمین هاست. اصلاً به این معنی نیست که آن چه در شرق دیوار قرار دارد از کنترل اسرائیل خارج است. زیرا در این منطقه، اسرائیل به ساختمان شهرک‌های استعماری ادامه می‌دهد، ایجاد جاده‌ها و شبکه بندی استراتژیکی سرزمین‌ها ادامه دارد. در ساختاری قرار داریم که عمل انجام شده را تثبیت و هرگونه ایجاد دولت فلسطین مستقل، منسجم و پایدار را بیش از اندازه غیرقابل تصور می‌کند.

- نخستین هدف اسرائیل در ساختمان دیوار، زیر سوال بردن ایجاد فلسطین نبود؟

* ابتدا استدلال امنیتی را بکار بردند یعنی دیوار مانع گذر به اسرائیل می‌شود. اسرائیل می‌گوید، خوب نگاه کنید سوءقصد‌ها کمتر شده است. ولی این ادعا درست نیست، دلیل این امر، نابودی سازمان‌های فلسطینی در کرانه باختری است. نقش دیوار، اعمال سیاست سرکوب است. و یکی از دلایل هم سیاست تشکیلات خودمختار است که کم‌کم منسجم می‌شود و برای کنترل سرزمین

ها، با کمک آمریکا، و نیز اسرائیل و اردن نیروی پلیس ایجاد می کند. اسرائیل همیشه استدلال امنیتی را بزرگ جلوه داده است. استدلال امنیتی یک استدلال تبلیغاتی است. مردم اسرائیل آن را باور دارند به این معنی که معتقدند از آنان حفاظت می کند. اگر دیوار بر روی مرز قرار داشت، این استدلال منطقی بود ولی بر روی مرز [۴ ژوئن ۱۹۶۷] نیست. اثر عینی کشیدن دیوار نفوذ در عمق سرزمین های فلسطینی و دشوار تر کردن ایجاد دولت فلسطین است. موضع اسرائیل نسبت به فلسطینی ها دو پهلو و اساسا گنگ است. از یک طرف الحاق همه سرزمین های فلسطینی را در مد نظر دارد، کرانه باختری رود اردن را «ارض اسرائیل» می داند، و از سوی دیگر نمی تواند جمعیت فلسطین را به خود ضمیمه کند. زیرا از به هم خوردن تناسب جمعیت هراس دارد که به سود اعراب است. این تضاد، از یک طرف از ایجاد دولت فلسطین جلوگیری می کند و از طرف دیگر می خواهد از دست فلسطینی ها خلاص شود. چند امکان وجود دارد. تا قبل از تشکیل دولت فعلی نتانیاها، حکومت های پی در پی اسرائیل، ایجاد دولت فلسطین را می پذیرفتند، گرچه هیچ اثر مشخصی در عمل نداشت. می خواستند از دست مردم فلسطین خلاص شوند ولی هیچ قدمی در راه ایجاد دولت فلسطین بر نمی داشتند. امروز گفتمان تغییر یافته است و منسجم تر است. نتانیاها می گوید که ایجاد دولت فلسطین را نمی پذیرد و ساختمان شهرک های استعماری را ادامه می دهد. البته در گذشته هم دیده ایم که نتانیاها موضعش را تغییر داده است. الان می گوید که در شرایطی مشخص، ایجاد دولت کاملا غیر نظامی را می پذیرد. اما اساسا این پذیرش صوری هیچ مفهومی ندارد. اگر امروز صحبت از شناسائی دولت فلسطین بدون مرز های معین است، به این دلیل است که وضعی ایجاد کنند که فلسطینی ها نتوانند درخواست ملیت اسرائیلی بکنند، یعنی اگر بگویند، خوب، امکان تشکیل دولت فلسطین وجود ندارد، پس ایجاد دولتی دموکراتیک مورد نظر است که مسلمانان، یهودیان و مسیحیان بتوانند در کنار هم زندگی کنند.

- آیا این نظر شانس دارد که عملی شود؟

* ببینید، شانس ندارد زیرا که نه در میان فلسطینی ها و نه در میان اسرائیلی ها انعکاسی ندارد. در محل، هیچ حرکت واقعی و معینی برای تحقق آن وجود ندارد. این دیدگاه بخت زیادی ندارد. نظریه ای که روشنفکران فلسطینی نیز طرح کرده اند، اگر دولتی دموکراتیک نظیر آن چه در آفریقای جنوبی رخ داد، می خواهید، به مبارزه مشترک یهودیان، مسلمانان و مسیحیان نیاز است. آن چه «کنگره ملی آفریقا» موفق شد در آفریقای جنوبی عملی کند، نبرد سیاهان علیه سفیدپوستان نبود، با این که تناسب جمعیت سیاهان نسبت به سفید پوستان، ۶ یا ۷ بر یک بود، بلکه نبرد مشترک سیاهان و سفید پوستان نقش اساسی را ایفا کرد که سفیدپوستان نیز نقشی به عهده گرفتند. امروزه این امر امکان پذیر نیست، یعنی برای ایجاد دولتی دموکراتیک، نبرد مشترک یهودی، مسیحی و مسلمان ضروری است. شاید سؤال ابلهانه ای باشد، ولی این مسئله پیش می آید که آیا این دولت می تواند عضو جامعه عرب گردد یا نه؟ ایده جذابی است. اینجا در اروپا، ایده یک کشور با همه شهروندان، جذاب است ولی بطور روشن، ایده ای نیست که بتوان پیاده اش کرد. کسانی که از دیدگاه دولت واحد دفاع می کنند، می گویند که نظریه دو دولت نیز قانع کننده نیست. گرایش من این است که فکر کنم که ایجاد دولت فلسطینی بیش از پیش دشوار شده است. ولی، استدلال برخی این است که شاید وجود دولت اوپاما آخرین بخت باشد. و شاید هنوز بتوان دولت فلسطین را ایجاد کرد. وزرای پیشین امور خارجه آمریکا چنین عقیده ای دارند و وزرای خارجه پیشین اروپائی نظیر اوبر ودرین، (وزیر خارجه پیشین فرانسه) نیز از آن حمایت می کنند. آنان می گویند که این آخرین فرصت است ولی به هر حال اگر اوپاما سریعا به راه حلی نرسد، با بن بست مواجه خواهیم شد، آن هم برای مدتی طولانی و حتی بر روی بخشی از سرزمین تاریخی فلسطین نیز دولت فلسطین تشکیل نخواهد شد.

- برای اجرای چنین طرحی نظر مساعد اسرائیلی ها ضروری است، آیا فکر می کنید در شرایط موجود چنین امکانی وجود دارد؟

* فکر می کنم که بزرگترین اشتباه استراتژیکی رهبران فلسطین در سی سال گذشته این بود که ارزیابی نادرست کردند. آنان درک نکردند که کلید حل مسئله در دست مردم اسرائیل است و نه در واشینگتن بجز زمان کنفرانس اسلو، تلاش واقعی وجود نداشت که مسئولان فلسطینی بجای مذاکره مستقیم با دولت اسرائیل، مستقیما مردم اسرائیل را خطاب قرار دهند. یعنی اکثر فلسطینی ها که به صلح تمایل داشتند می بایست تلاش می کردند که روی چند دستگی جامعه اسرائیل حساب کنند. مطلبی که ویتنامی ها زود درک کردند. پیروزی ویتنامی ها به این دلیل نبود که از نظر نظامی نیرومند تر بودند بلکه آنان توانستند میان امریکائیان شکاف بیندازند. این امر در مورد الجزایر هم صادق است. آنان نیز به همین دلیل پیروز شدند. در سال ۱۹۶۰، الجزایری ها

از نقطه نظر نظامی در درون کشور نابود شده بودند و فقط در طول مزرهای مراکش و تونس حضور داشتند. آنان از نظر نظامی فروپاشیدند. برای حفظ موقعیت، فرانسه مجبور بود نیم میلیون نظامی را بسیج کند ولی بدلیل مسائل داخلی فرانسه، قادر به این کار نبود. البته شرایط یکسان نیست، بشرطی به راه حلی خواهیم رسید که فلسطینی ها بتوانند گفتمان وعملکرد دیگری در قبال اسرائیلی ها داشته باشند که این اتحاد را تقویت کند. درست است که سوءقصد ها اسرائیلی ها را یک پارچه کرد و آنان را حول دولت اسرائیل متحد کرد. هنگامی که «کنگره ملی آفریقا» مبارزه مسلحانه را شروع کرد، خواستند از سلاح تروریسم هم استفاده کنند، ولی دیدند که بر ضد هدف های خودشان عمل خواهد کرد که می خواستند بخشی از اهالی سفید پوست آفریقای جنوبی را با خود همراه کنند.

- به عقیده شما اگر فلسطینی ها یک جانبه دولت فلسطین را اعلام می کردند، به رغم مخالفت اسرائیل و آمریکا می توانستند تایید مردم اسرائیل را بدست آورند و نتیجه ای بدهد؟ آیا این عمل درست بود یا آن که جرات نکردند؟

* آن ها جرات نکردند. این یک حرکت سیاسی قوی بود. در سال ۲۰۰۰ - ۱۹۹۹ می توانست اهمیت داشته باشد. ولی امروز بی معنی است. یکی این که تشکیلات خود مختار را تغییر شکل خواهد داد که هم اکنون نیز چندان قدرتی ندارد. اگر این تشکیلات به یک دولت در تبعید تبدیل شود و دولت فلسطین بدون مرزهای معین اعلام شود، خطرناک است. دولت بدون مرز و ارجاع تعیین آن به آینده نامعلوم بی معنی است. آنچه اهمیت دارد و تعیین کننده است، مسئله مستعمره سازی و گسترش آن است. هم اکنون نیم میلیون مهاجر یهودی در این شهرک ها ساکنند، ۲۰۰ هزار در بیت المقدس، ۳۰۰ هزار در کرانه باختری و بر تعداد آنان دائما افزوده می شود. این مشکل غیر قابل برگشت بنظر می رسد. در غزه که ۶ هزار مهاجر زندگی می کرد، این کار را کردند ولی در بعضی جاها نمیتوان این کار را کرد. هیچ دولت اسرائیلی ۳۰۰ هزار کولونی کرانه باختری را اخراج نخواهد کرد تازه صحبتی از ۲۰۰ هزار مهاجر مقیم بیت المقدس نمی کنیم.

- تخریب دیوار، توقف مستعمره سازی، مسئله پناهندگان و پذیرفتن بیت المقدس شرقی به عنوان پایتخت از شرایط اولیه تشکیل دولت فلسطین است، سران اسرائیل همیشه گفته اند، آنچه را می سازیم، حفظ می کنیم. بنظر شما این وضع برگشت پذیر است؟ اسرائیل با زمان بازی نمی کند؟

* باید اذعان کنم که با انتخاب اوباما شرایط ویژه ای ایجاد شده است. پس از مدت ها، برای نخستین بار دولتی در امریکا بر سر کار است که به بیانیه های دولت اسرائیل اکتفا نکرده و عمل می خواهد. از مدت های مدید، چنین فشاری واقعی بر روی اسرائیل نیامده بود. دولت آمریکا معتقد است که مناقشه اسرائیل - فلسطین مسئله مرکزی خاورمیانه است و از نگاه کل سیاست آمریکا، حل این مناقشه حتی نسبت به ایران و سوریه و غیره اهمیت بسیاری دارد. پیش بینی تحولات اوضاع دشوار است. آنچه را می خواهند واقعا نشان نمی دهند. آیا برای نیل به صلح کفایت خواهد کرد. دولت اسرائیل وضعیت محکمی ندارد، اکثریت شکننده ای دارند، آلترناتیو هم وجود دارد که یکی، ائتلاف کادیم - حزب کار است. شاید، نمیدانم در ماه های آینده چه پیش آید. هیچ نیروی سیاسی مایل نیست در مقابل اوباما بایستد. دولت او در داخل آمریکا محبوبیت زیادی دارد. فشار های لابی طرفدار اسرائیل کمی سبک تر شده است. او در منطقه هم محبوب است زیرا گفتار جدیدی دارد.

- با این که دولت اسرائیل، از زمان روی کار آمدن اوباما، با پیش کشیدن خطر ایران و طرح هسته ای این کشور، می خواهد مسئله فلسطین را در درجه دوم اهمیت قرار دهد.

* بله، بله، اما این گفتمان کارائی ندارد، شاید مسئله انتخابات ایران تغییری بوجود آورد. ولی عمدتا این گفتمان بی اثر است حتی در امریکا، جریان بسیار محدودی آن را می پذیرند. و از بمباران ایران توسط اسرائیل حمایت نمی کنند. جان بولتن (سفیر پیشین امریکا در سازمان ملل) از اسرائیل خواسته بود تا ایران را بمباران کند ولی این نظریه بسیار محدود است. این همان خط استراتژیکی است که به آمریکا بقبولاند که فلسطین اهمیت زیادی ندارد و باید به ایران حمله کرد. خط اروپا و امریکا این است که اگر می خواهیم در مواجهه با ایران موضع بهتری داشته باشیم باید در مسئله فلسطین - اسرائیل به پیشرفت هائی برسیم. در آنصورت دولت احمدی نژاد نمی تواند به عنوان مدافع فلسطین ظاهر شود اگر روند صلح در جریان باشد.

- تغییرات دولت اسرائیل چه تاثیری در اوضاع به نفع یکی از دو طرف مخاصمه می تواند داشته باشد؟

* به نفع کی، ایران؟

- نه اسرائیل

* دولت اسرائیل مخالف صلح است، راست ترین حکومت اسرائیل را در تاریخ آن کشور داریم.

- با وجود شکاف در جامعه اسرائیل، اکثریت جمعیت با فلسطینی ها مخالف است

* مشکل اینجاست که نه فلسطینی ها و نه اسرائیلی ها، البته نه به دلیل مشابه، به صلح اعتقادی ندارند. عملا هیچ نتیجه ای نمی بینند. میگویند که هیچ راهی وجود ندارد. به همین جهت استراتژی اوباما مبنی است بر لزوم تغییر وضع در صحنه واقعیت. از جمله رفع محاصره غزه، حذف پاسگاه های کنترل (چک پوینت ها) و توقف مستعمره سازی. و نیز تشکیلات خود مختار نشان بدهد که قادر به تامین امنیت شهرها و جلوگیری از سوءقصد هاست. ایجاد جوی جدید برای ایجاد پویائی (دینامیک) صلح نیز از همین شروط است.

- آن چه «جامعه بین المللی» نامیده می شود، همواره به سود اسرائیل عمل کرده، شاید تهاجم به غزه وضع را تغییر داده باشد، ولی فکر نمی کنید که «جامعه بین المللی» در و خیم تر شدن وضع مسئولیتی دارد؟

* البته، به یقین. بطور کلی، از یک تا دو سال پس از انتقاله دوم، «جامعه بین المللی» و عمدتا اتحادیه اروپا و ایالات متحده، نه چین و نه روسیه، از دولت اسرائیل پشتیبانی کرده و دولت بوش با پشتیبانی از شارون، سیاست نابودی فلسطین و انزوای یاسر عرفات و عدم مذاکره با وی را در پیش گرفت. در ادامه سیاست شارون در منزوی کردن ابو مازن و قطع مذاکرات، «جامعه بین المللی» مسئولیت مهمی دارد. چیزی که تغییر یافت موضع اروپا بود و گرنه آمریکا همان سیاست پیشین را ادامه داد. قبلا، اروپا در مورد خاورمیانه، موضع سنتی حفظ توازن میان اعراب و اسرائیل را داشت. به دو دلیل این سیاست به سود طرفداری از اسرائیل تغییر کرد. ورود کشورهای اروپای شرقی در اتحادیه اروپا موجب اتخاذ سیاستی نزدیک تر به اسرائیل شد. قبلا سیاست مشابه در مورد ایران داشتند. آنان گفتند که چون دولت های قبلی که ما در قدرت شریک نبودیم، طرفدار فلسطین بودند ما از اسرائیل طرفداری می کنیم. سیاست فرانسه هم تغییر کرد. غزه چیز مهمی را تغییر داد. این تغییر در افکار عمومی بیشتر از دولت هاست. آن چه در مورد دولت ها تغییر کرده است، دولت اوباما است. آن چه حیرت آور است، نقشی است که دولت های اروپائی پشت سر اوباما قرار گرفته اند، بویژه در مورد فلسطینی ها.

در مورد دیوار، اقلیتی از اسرائیلی ها در کنار فلسطینی ها قرار دارند. در صحنه سیاسی کدام یک از دو حالت زیر می تواند وضع را بطور موثر تغییر دهد: افزایش همبستگی اسرائیلی ها یا سیاست های بین المللی؟

* هر دو باهم، آنها را نمی توان از هم جدا کرد. آنها می که فکر می کنند صلح را می شود تحمیل کرد، تا حدودی حق داشتند. باید بر اسرائیل فشار آورد و حتی مجازات هائی علیه سیاستش تعیین کرد. دیدیم که گزارش عفو بین المللی در مورد غزه اسرائیل را بخاطر تجاوز متعدد به حقوق بشر محکوم کرد و این کشور باید بخاطر این اعمال مجازات شود. اما این فشار ها باید با درون جامعه هم آهنگ باشند.

بار دیگر اشاره کنم که نمونه آفریقای جنوبی اهمیت بسیار دارد. مواضع بین المللی مهم بودند ولی اگر از درون کشور تقویت نمی شد، نمی توانست اثربخش باشد. باید بصورتی قرارداهای اسلو را ورق زد و شکست ها را فراموش کرد. و همچنین آن چه را که بر مردم سنگینی کرد، برای ساختن چیزی از نو تغییر داد. فکر می کنم که باید در این زمینه جنبشی ایجاد شود. کار مشترک اسرائیلی ها و فلسطینی ها بر روی موارد مشخص، اهمیت بسیار دارد.

نقش مخرب دیوار را همه می دانیم. بنظر شما پشتیبانان فلسطین باید مسئله دیوار را جداگانه طرح کرده و نابودی آن را بخواهند یا این که مسئله در روند صلحی کلی حل خواهد شد؟

* نه با دو مسأله روبروئیم. یکی همبستگی با فلسطینی ها در مورد تجاوزی که به حقوقشان به عنوان بشر صورت می گیرد و دیگری مسئله دیوار. باید به مبارزه برای نابودی دیوار مستقلا و بموازات تلاش های دیگر ادامه داد. باید مبارزه سیاسی را ادامه داد. مبارزه علیه دیوار اهمیت بسیاری دارد. بویژه با توجه به نظر دیوان داوری بین المللی (دادگاه لاهه) که ارگان قضائی سازمان ملل متحد است و دال بر این است که دیوار غیر قانونی است، باید این حکم را به اجرا درآورد.

- *مطلب دیگری دارید بیفزایید؟*

* اگر مناقشه اسرائیل - فلسطین را از نظر تعداد کشته ها (در مقایسه با عراق و افغانستان) بررسی کنیم، منافشه کوچکی است، پایگاهی وجود ندارد، نفت وجود ندارد ولی در عین حال این مناقشه، کشمکش نمادین بسیار مهمی است که نه تنها برای جهان عرب و اسلامی اهمیت دارد بلکه امروز، سرخ پوستان آمریکای مرکزی یا نقاط دیگر تظاهرات می کنند در پشتیبانی از فلسطین، در اروپا به حمایت از فلسطین تظاهرات می کنند. فلسطین مناقشه ای است که مظهر تمام عبار بی عدالتی در این منطقه است. نظیر آفریقای جنوبی و ویتنام در گذشته. مسأله ای است نمادین از بسیاری جهات و بویژه که در برابرش، گفتمان یک بام و دو هوای غرب را داریم. اگر گفته می شود که اسرائیل وجود دارد، ولی به هر حال بر بی عدالتی ایجاد شده است با غصب زمین های دیگری و استعمار به معنی سنتی واژه. امروز این امر نمادین شده است. حل آن اوضاع منطقه را تغییر خواهد داد. وضعی که پنجاه سال است دچار بن بست است. در جهان عرب، همان حکومت ها را داریم. رؤسای جمهوری داریم که پسرشان جایگزین شان می شود یا پادشاهانی که پسرانشان قدرت را در دست می گیرند. و همه در نظام های مسدود حکومت می کنند. هیچ منطقه ای مثل جهان عرب مسدود نیست. و اثرات این ها نقش منفی دارد.

باید سیاست جهانی دنبال راه حلی کلی با دربرگرفتن سوریه و کشورهای دیگر عربی، چیزی شبیه طرح پادشاه عربستان یا راه جداگانه بگردد. واقعا بهتر است راه حلی کلی یافت. فلسطین است و سوریه، در مورد لبنان اختلاف اساسی وجود ندارد، جز مسئله کوچک مزارع شبعاء. باید همزمان مسئله فلسطین - اسرائیل و سوریه - اسرائیل را حل کرد. علاوه بر آن، برای مردم اسرائیل اهمیت دارد که در مقابل صلح با فلسطین، صلح با کشورهای دیگر عربی تامین شود. در آن صورت همسایه در حال جنگ وجود نداشته و تضمینی روانی وجود خواهد داشت.

- شما فکر نمی کنید که دولت اسرائیل خواهان صلح نیست. حتی بن گوریون می گفت، که قراردادهای آتش بس برای ما کافی است...

* آری، ولی من میان دولت های اسرائیل و مردم اسرائیل تفاوت قائلم. دولت ها از یک ترس واقعی مردم اسرائیل برای پیشبرد سیاست ماجراجویانه خودشان سود می برند. فکر می کنم بیشتر مردم اسرائیل تمایل به صلح دارند و این تمایل را باید علیه دولت اسرائیل بکار برد.

- با دیوار، دولت اسرائیل، اسرائیلی ها را نیز محبوس کرده است.

* البته، البته!

- بسیار سپاسگزارم

مصاحبه کننده بهروز عارفی - دوم ژوئیه ۲۰۰۹

بایکوت فرآورده های اسرائیلی

نمونه هایی از اقدامات مبارزاتی جهانی

علیه رژیم نژادپرست و اشغالگر اسرائیل

پیش از این لیستی از این اقدام مردمی و جهانی تهیه شده که همزمان روی سایت راه کارگر و اندیشه و پیکار منتشر شده است.

<http://www.rahekargar.de/temp/20090316-01-temp.htm>

<http://www.peykarandeesh.org/jonbesh/Akhbare-Boycott-e-Israel.html>

لیست زیر ادامه آن لیست است برای درج در آرش ۱۰۳.

۱۷ مارس ۲۰۰۹ - شومن معروف کانال یک تلویزیون فرانسه، آرتور، با بی اعتنائی تماشاگران روبرو شد وی که به حمایت از اسرائیل معروف است و هر سال برای کمک به ارتش اسرائیل با اجرای «شو» کمک جمع آوری می کند، بنا به نوشته روزنامه La Voix du Nord (صدای شمال) مورخ ۱۶ مارس ۲۰۰۹ آرتور دیروز نتوانست بیش از ۳۰۰ نفر در سالن Loos-Haubourdin تماشاچی داشته باشد، حال آنکه نمایش های او معمولاً تا ۱۰۰ هزار نفر را به خود جلب می کرد. روزنامه یاد شده نوشته است که طرفداران بایکوت اسرائیل تراکت هایی در جلوی محل نمایش پخش کرده بودند که حمایت آرتور را از اسرائیل نشان می داد.

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3924>

۱۸ مارس ۲۰۰۹ - نامه به مارتین اوبری، دبیر کل حزب سوسیالیست فرانسه و شهردار شهر لیل در اعتراض به همکاری بین شهر لیل و حیفا (اسرائیل)

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3925>

۲۱ مارس ۲۰۰۹ - اسرائیل جشن های فرهنگی فلسطینی را ممنوع کرد. بازهم برای بایکوت اسرائیل دلیل دیگری می جویید؟

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3935>

۲۱ مارس ۲۰۰۹ - بر «تی شرت» سربازان اسرائیل عکس اجساد فلسطینی ها نقش بسته است عکس هایی از اجساد بچه های فلسطینی، از مادرائی که بر گور فرزندان از دست رفته شان می گریند، از مسجدهایی که به خاکستر بدل شده «دکور» تی شرت های سربازان ارتش اسرائیل است که یک شرکت تولید تی شرت در تل آویو با فروش آنها پول به جیب می زند.

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3937>

۲۴ مارس ۲۰۰۹ - شرکت اسرائیلی TEVA داروهای ژنریک تولید می کند. اسرائیل با بمب های فوسفوری فلسطینی ها را بمباران کرده است. به داروخانه ای که این داروها را عرضه کند می توانید بگویید: TEVA نمی خواهیم.

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3942>

۲۵ مارس ۲۰۰۹ - قرار بود در چارچوب همکاری شهر فرانسوی لیل و شهر حیفا در اسرائیل هیأتی اسرائیلی از لیل دیدن کنند. در پی اعتراض به شهردار لیل (از حزب سوسیالیست) این دیدار لغو شد.

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3945>

۲۶ مارس ۲۰۰۹ - شرکت فرانسوی آلتوم از یک صندوق بازنشستگی سوئدی اخراج شد، زیرا در اشغال سرزمین های فلسطینی با اشغالگران همکاری دارد.

کارزار خودداری از سرمایه گذاری در اسرائیل در اروپا شدت پیدا کرده است. صندوق بازنشستگی سوئدی AP7 آخرین مؤسسه ای است که...

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3947>

۲۷ مارس ۲۰۰۹ - لیست تظاهرات فردا ۲۸ مارس در شهرهای مختلف فرانسه برای پخش تراکت های بایکوت.

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3950>

۳۰ مارس ۲۰۰۹ - نامه دو اسرائیلی که از اقدام بایکوت پشتیبانی کرده اند

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3957>

۳۰ مارس ۲۰۰۹ - آری، بایکوت اسرائیل کارآیی دارد.

تارنمای اتاق بازرگانی فرانسه - اسرائیل در ستون «بایکوت» (آری!) خود روز سه شنبه تیتیر زده است: «اسرائیل، بایکوت و کسب و کار: در سال ۲۰۰۹ صادرات اسرائیل ۱۰ درصد کاهش می یابد. صادر کنندگان باید خود را آماده کنند تا با کارزار بین المللی ضد اسرائیلی مقابله کنند».

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3959>

۳۱ مارس ۲۰۰۹ - رم (ایتالیا) بایکوت فرآورده های اسرائیلی بایکوت گسترش می یابد: کسانی که در چارچوب فوروم فلسطین مبارزه می کنند روز شنبه علیه فروشگاه بزرگ زنجیره ای Auchan که شعبه ای در حومه شرقی رم دارد دست به آکسیون زدند...

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3960>

۳۱ مارس ۲۰۰۹ - مدیریت فروشگاه های زنجیره ای تقریباً در سراسر فرانسه باید مسؤولیت خود را بر عهده بگیرند. در شهرهای بوردو، مونترئی، لیون... و در بسیاری از نقاط فرانسه مبارزانی که برای تأمین حقوق فلسطینیان و اجرای عدالت فعالیت می کنند مدیریت فروشگاه های بزرگ را به پرسش گرفته اند تا در رابطه با کالاهایی که از کشوری می آید که ۶۰ سال است مردم فلسطین را از خانه و سرزمین شان طرد می کند توضیح بخواهند...

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3961>

۱ آوریل ۲۰۰۹ - شهر بیل بائو (ایالت باسک اسپانیا): بزرگداشت «روز زمین» (در فلسطین ۳۰ مارس) با شعار بایکوت: کارگران باسک مدتها است که در جنبش همیستگی با آرمان فلسطین پیشگام هستند. در زیر برخی از آکسیون هایی که سندکای LAB در بیل بائو در رابطه با فراخوان بایکوت انجام داده می یابید

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3966>

۲ آوریل ۲۰۰۹ - ویدئوی تظاهرات ۲۸ مارس در پاریس را برای بایکوت ببینید

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3964>

۲ آوریل ۲۰۰۹ - ویدئوی جدید بایکوت در شهر میلان ایتالیا: تلاش برای آگاه کردن خریداران یک فروشگاه بزرگ که خرید کالاهای اسرائیلی کمک مالی به جنگ با مردم فلسطین است....

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3970>

۴ آوریل ۲۰۰۹ - در دفاع از Hermann Dierkes سندیکالیست آلمانی که به خاطر حمایت از بایکوت اسرائیل، متهم به یهود ستیزی شده جمعی از مبارزان یهودی تبار با کسانی که مدعی سخن گفتن به نام تمام یهودیان هستند مخالفت کرده تأکید نموده اند که این کسان از اتهام یهودستیزی سوء استفاده می کنند تا صدای اعتراض های مشروع و محقانه را خفه کنند.

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3971>

۶ آوریل ۲۰۰۹ - پژوهشگر اسرائیلی راحله میزراهی، کارشناس امور فرهنگی خواستار بایکوت اسرائیل و اخراج آن از عضویت یونسکو شده است. یک متن نمونه...

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3974>

۷ آوریل ۲۰۰۹ - فروشگاه کورا ریمرمون علیه یک مشتری که طی نامه ای مؤدبانه از او خواسته بود محصولات اسرائیلی در مغازه خود عرضه نکند به پلیس شکایت کرد

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3976>

۹ آوریل ۲۰۰۹ - بایکوت بانک دکسیا Dexia به علت دست داشتن در تأمین مالی مستعمره سازی در سرزمین های فلسطینی. ۹ آوریل در حالی که نمایندگان منتخب شهرداری های استان پاریس در پارک فلورال ونسن اجتماع کرده بودند تا تأمین مالی پروژه های شهرداری ها را بررسی کنند. از آنجا که از نمایندگان بانک دکسیا هم برای مشارکت در این امر دعوت شده بود، فعالان کارزار بایکوت اسرائیل دست به یک آکسیون افشاگری علیه بانک دکسیا زدند.

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3982>

۱۱ آوریل ۲۰۰۹ - نامه ای به مارتین اوبری، شهردار شهر لیل در شمال فرانسه و خواست الغاء همکاری بین این شهر و شهر حیفا در اسرائیل. نامه را در زیر می خوانید...

۱۳ آوریل ۲۰۰۹ - روشنفکر اسرائیلی آبراهام یهوشوا که در خدمت تبلیغات جنایتکارانه اسرائیل قلم می زند روز ۴ آوریل در شهر تورن ایتالیا سخنرانی داشت. دوستان ما در فوروم فلسطین دست به افشاگری علیه وی زدند و در نتیجه استقبال از وی به هم خورد (ویدئو را تماشا کنید). این مبارزان همچنین خواستار شده اند که در نمایشگاه کتاب این شهر در ماه مه، که مصر به عنوان مهمان ویژه دعوت شده است، علیه همکاری مصر و اسرائیل دست به افشاگری بزنند.

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3993>

۱۵ آوریل ۲۰۰۹ - شرکت فرانسوی وئولیا که برای ساختن یک تراموای که بیت المقدس را به مستعمرات اسرائیلی وصل می کند با اسرائیل همکاری دارد، به خاطر افشاگری هایی که علیه آن صورت گرفته یک مناقصه مهم ۷۵۰ میلیون یورویی را در شهر بوردو (فرانسه) از دست داد و قرارداد با شرکت کنولیس بسته شد...

<http://www.europalestine.com/spip.php?article3999>

(مقاله لوموند ۵ ژوئن ۲۰۰۹ را در این باره در همین شماره آرش می خوانید)

۱۷ آوریل ۲۰۰۹ -

دو روز پیش از تشکیل کنفرانس ضد تبعیض نژادی ملل متحد در سوئیس، کنفرانس دیگری برپا می شود تا معافیت اسرائیل از مجازات در قبال جنایاتی که مرتکب می شود مورد بررسی قرار گیرد.

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4026>

۲۰ آوریل ۲۰۰۹ - ارتش اسرائیل می خواست در لندن برقصد.

روزنامهء گاردین خبر می دهد که برنامهء رقص و آواز ارتش اسرائیل که قرار بود در لندن برپا شود به دلیل اعتراضات فراوانی که صورت گرفت لغو شد...

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4039>

۲۲ آوریل ۲۰۰۹ - رائل ژنار کاندیدای انتخابات پارلمان اروپا از «حزب نوین ضد سرمایه داری» (NPA) در ناحیهء جنوب شرقی پاریس در کارزار انتخاباتی خود موضع خویش را به نفع فلسطین صریحاً بیان کرد. مصاحبه ای را با او در زیر ملاحظه می کنید...

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4048>

۲۲ آوریل ۲۰۰۹ - کنگرهء سندیکاهاى اسکاتلند منعقد در شهر Perth بایکوت اسرائیل، خودداری از سرمایه گذاری، و مجازات آن را تصویب کرد...

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4049>

۲۵ آوریل ۲۰۰۹ - عجیب ولی راست! شهردار وین - اتریش به اتاق تجارت اسرائیل اجازه داده است که در ساحل دانوب، به مناسبت صدمین سال تل آویو، یک پلاژ به نام «تل آویو بیچ» برپا کند.

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4051>

۸ مه ۲۰۰۹ - فروشگاه زنجیره ای کارفور به خاطر ۲۵۰۰ مورد نقض قانون و فریب خریداران که در شش شعبهء آن در ناحیهء پاریس صورت گرفته در برابر دادگاه پلیس اوری (Evry) حاضر شد.

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4078>

۹ مه ۲۰۰۹ - شرکت وئولیا در جستجوی کسی که مدیریت تراموای قدس را برعهده بگیرد. در مجمع عمومی سالانهء شرکت، رئیس هیئت مدیره، هانری پروگلیو برای تعیین مدیر آیندهء تراموایی که باید قدس را به مستعمرات اسرائیلی وصل کند کاملاً در مخمصه قرار داشت...

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4083>

۱۱ مه ۲۰۰۹ - بایکوت کالاهاى اسرائیلی در وال دواز (استان پاریس). در زیر مقاله ای از روزنامهء پاریزین مورخ ۱۱ مه را ملاحظه می کنید که گزارشی از افشای و بسیج جهت بایکوت محصولات اسرائیلی را چاپ کرده است.

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4090>

۱۳ مه ۲۰۰۹ - نیس، اسرائیل، کنیسه: همدستی با تروریسم دولتی اسرائیل و خلط مباحث های زیانبار «کریستیان استروزی وکیل مجلس و شهردار نیس و نیز اریک سیوتی وکیل مجلس و رئیس استانداری آلپ ماریتیم جشن ملی اسرائیل را فردا پنجشنبه ۱۴ مه برگزار می کنند و کنیسهء بزرگ خیابان دولوا سرود ملی اسرائیل و سپس سرود ملی فرانسه را خواهد نواخت».

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4092>

۱۵ مه ۲۰۰۹ - سازمانهای اسرائیلی که از نروژ می خواهند در اسرائیل سرمایه گذاری نکنند. بیست سازمان اسرائیلی از مردم نروژ خواسته اند که صندوق های باننشستگی ملی نروژ خود را از کلیهء شرکت های اسرائیلی که در اشغال سرزمین های فلسطینی دست دارند کنار بکشند.

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4100>

۱۵ مه ۲۰۰۹ - بایکوت اسرائیل پیش می رود! در پی کارزاری که در آمریکا برای بایکوت اسرائیل جریان دارد، شرکت موتورولا خود را از اسرائیل رها کرد. مقالهء PAJU «اتحاد فلسطینی و یهودی - مونتربال» را در زیر بخوانید...

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4102>

۱۵ مه ۲۰۰۹ - مدیریت جشنوارهء فیلم ادینبورگ (انگلستان) وجهی را که سفارت اسرائیل به عنوان کمک به این جشنواره کرده بود برگرداند زیرا اعتراضات فراوانی به این رابطهء ناسالم برپا شده بود...

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4103>

۱۵ مه ۲۰۰۹ - ششمین کنگرهء ملی سندیکای سراسری مدیریت مدارس، دانشگاهها و کتابخانه ها - فدراسیون سندیکایی متحد (SNASUB-FSU) که در تمام این هفته اجلاس داشت، به کار خود پایان داد و پیشنهاد بایکوت اسرائیل را تصویب کرد.

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4104>

۱۵ مه ۲۰۰۹ - بانک دکسیا اعلام کرد که دیگر به مستعمرات اسرائیلی وام نخواهد داد پس از آنکه دوستان بلژیکی ما، در بروکسل، از بانک فرانسوی - بلژیکی دکسیا خواسته بودند دربارهء تأمین مالی شهرک سازی های اسرائیلی در سرزمین های اشغالی حساب پس بدهد، دیروز دهها نفر از فعالین کارزار بایکوت به «لادفانس»، محلی که مجمع عمومی سهامداران بانک در آنجا برپا بود، رفتند تا در آنجا دست به اعتراض بزنند... (ویدئو و اطلاعاتیهء مربوطه را ملاحظه کنید).

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4105>

۲۲ مه ۲۰۰۹ - دولت های عرب همدست اسرائیل! نه جدید است، نه شگفت انگیز، اما تکان دهنده است که دولت های عرب که ادعا می کنند رابطه ای با اسرائیل ندارند، بگذارند الماس فروش اسرائیلی، Leviev، از موقعیت مرفه و کاملاً ممتازی برخوردار باشد:

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4121>

۲۴ مه ۲۰۰۹ - بایکوت محصولات اسرائیلی: وزیر کشور [فرانسه] لابی اسرائیل را سر جای خود نشانند

میشل آلیو ماری پاسخی مفصل و رضایت بخش به اریک رائو و دوستانش در حزب UMP داد. آنها از وی در مجلس ملی خواستند که علیه شهروندانی که برای بایکوت کالاهای اسرائیلی در فروشگاه های بزرگ فعالیت می کنند اقدام نماید:

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4127>

۲۵ مه ۲۰۰۹ - جورج فریش قصد دارد یک شرکت اسرائیلی صادرات - واردات را در Agrexco ایجاد کند. دوستان ما در شهر مون پولیه (فرانسه) شورای استانداری «لانگدوک روسیون» را برحذر داشته اند که مبادا به یک شرکت صادرات - واردات اسرائیلی میوه و سبزیجات در بندر ست (Sète) پروانه کار بدهد. استانداری برای این شرکت تبلیغات می کند که ۲۰۰ شغل ایجاد خواهد کرد. اما این شرکت «آگرکسکو» کیست و چه کاسه ای زیر نیم کاسه پنهان است؟

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4133>

۲۵ مه ۲۰۰۹ - بس کنید! اسرائیل ما را ابداً به خنده نمی اندازد! همان طور که همه می دانند اسرائیل در اروپا ست. به این دلیل است که ژان میشل برانکار، مدیر «مرکز اروپایی هنرهای تفریحی اروپا» امسال از یک گروه سیرک اسرائیلی دعوت کرده است:

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4135>

[برای تظاهرات اعتراضی روز ۲۹ مه جلوی تئاتر تعیین شده است]
۲۵ مه ۲۰۰۹ - تبلیغات برای تورسیم اسرائیل دثر متروهای لندن باید برجیده شود کارزار اعتراضی برای برجیدن تبلیغات توریستی اسرائیل در متروهای لندن باعث شده که مدیریت مترو این تبلیغات را حذف کند. فعالین بایکوت با ارسال نامه، با تلفن مراتب اعتراض خود را نشان دادند. در فرانسه هم باید همین کار کرد. در متروی پاریس تبلیغات توریستی برای کشوری صورت می گیرد که تروریسم را در گسترده ترین سطح اعمال می کند:

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4137>

۲۹ مه ۲۰۰۹ - گاردین مقاله «دکتر امجد برهم» رئیس اتحادیه فلسطینی استادان شاغل در دانشگاه را چاپ کرده است. نامه او بر پایه تصمیمی ست که کنگره دانشگاهیان انگلیسی در این هفته گرفته که اسرائیل باید مشمول بایکوت شود:

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4144>

۳۰ مه ۲۰۰۹ - هشتمین کنگره ناحیه ای سندیکای ث. ژ. ت. کارکنان آموزش و پرورش شمال فرانسه که در روزهای ۲۵ و ۲۶ جلسه داشت به بایکوت اسرائیل در زمینه های اقتصادی، دانشگاهی، فرهنگی ورزشی و سرمایه گذاری رأی موافق داد. کنگره از ث. ژ. ت. می خواهد تا زمانی که سندیکای کارگران اسرائیلی (هستدروت) سیاست استعماری اسرائیل را محکوم نکرده رابطه خود را با آن قطع کند و با سندیکاهای فلسطینی رابطه برقرار نماید.

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4149>

۲ ژوئن ۲۰۰۹ - عمر برغوثی: «بایکوت بیش از پیش توجه مردم را به خود جلب می کند» عمر برغوثی یکی از بنیانگذاران کارزار بایکوت آکادمیک و فرهنگی اسرائیل در یک مصاحبه به سخنانی از این گونه که گاه شنیده می شود: «سیاست را نباید با فرهنگ قاطی کرد» یا «ورزش و سیاست با هم ربطی ندارند پاسخ می گوید:

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4150>

۳ ژوئن ۲۰۰۹ - شرکت متروی پاریس در برابر اعتراضات حساس است. به اعتراضات با نامه، تلفن ادامه دهید:

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4156>

۵ ژوئن ۲۰۰۹ - مصاحبه با لیزا تراکی استاد دانشگاه در بیرزیت (فلسطین): «اگر تولیدکنندگان گوجه فرنگی اسرائیلی نباید از بایکوت معاف باشند چرا دانشگاهیان اسرائیلی باید استثنا بمانند؟»

<http://www.europalestine.com/spip.php?article4163>

کارزار بایکوت علیه رژیم نژادپرست، تروریست و اشغالگر اسرائیل ادامه دارد...

✱

شرکت فرانسوی وئولیا و تاوان

مداخله اش در تراموای اورشلیم

کارزار جنبش های جانبدار فلسطین برای بایکوت اسرائیل گسترش می یابد

از لوموند ۵ ژوئن ۲۰۰۹

درحالی که ساختمان تراموای بیت المقدس با نصب ریل در خیابان ها ادامه دارد فشار بر دو شرکت فرانسوی سازنده این خط یعنی آستوم و وئولیا تشدید شده است. هستند کسانی که با این طرح به مخالفت برخاسته اند. ۱۵ آوریل گذشته دادگاه شهرستان نانتر (حومه پاریس) خود را برای رسیدگی به پرونده شکایتی که انجمن همبستگی فرانسه - فلسطین (AFPS) به این دادگاه ارائه کرده صالح اعلام کرد. انجمن مزبور قرارداد ساختن این تراموای را «مخالف قانون» دانسته و خواستار لغو آن شده است زیرا هدف از این خط، وصل کردن مرکز بیت المقدس به کلونی های یهودی ست که در محله های فلسطینی اشغال شده توسط اسرائیل برپا شده است. انجمن همبستگی فرانسه - فلسطین شکایت خود را برپایه مصوبات چهارمین کنفرانس ژنو تنظیم کرده که ساختن مستعمرات (شهرک های مسکونی) در یک سرزمین اشغال شده را امری غیر قانونی به شمار می آورد.

آلستوم و وئولیا به ترتیب، تأمین واگون های تراموای و سپس بهره برداری از آن را بر عهده دارند. وئولیا روی سایت اینترنتی خود ابراز تأسف می کند که تشکیلات خودمختار فلسطین مخالفت خود را با این طرح چهار سال پس از آنکه قرارداد واگذار شده ارائه کرده است. نظر دادگاه این است که اسرائیل به عنوان کشوری بیگانه نمی تواند از شمولیت حکم دادگاه معاف باشد «زیرا واقعیت این است که اسرائیل قدرتی ست که بخشی از ساحل غربی را که تراموای مورد اختلاف از آن می گذرد در اشغال خود دارد». آلستوم و وئولیا خواستار تجدید نظر شده اند.

این تصمیم دادگاه که عواقب سنگینی را بالقوه با خود به همراه می آورد در حالی رخ می دهد که جنبش بایکوت آلستوم و وئولیا تحت تأثیر ائتلافی از جنبش های جانبدار فلسطین گسترش می یابد. وئولیا که در ساحل غربی یک خط اتوبوس و جمع آوری اشغال را اداره می کند — که دو سرمایه گذاری به سود شهرک های یهودی ست — به صورت هدف سرزنش ها و حملات مبارزان درآمده است. آنها شعار می دهند «وئولیا را از خط خارج کنیم». در آغاز امسال این شرکت چند ملیتی فرانسوی قرارداد آب و نان دارمدیریت متروی استکهلم را که تا آن زمان برعهده داشت و بالغ بر یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون یورو می شد از دست داد. هرچند نمایندگان مجلس (سوئد) اطمینان می دهند که تصمیم شان ناشی از ملاحظات تجاری ست، اما تأثیر گروه فشار NGO ی سوئدی Diakonia حتماً تأثیر جدی داشته است.

در نیمه ماه مارس، شهر ساندویل در انگلستان (با ۳۰۰ هزار جمعیت) نام وئولیا را از مناقصه جمع آوری اشغال که مبلغ اش به یک میلیارد و ۶۰۰ میلیونی می رسید حذف کرد. یک ماه بعد، شورای شهرداری مالوای، سومین شهر بزرگ ایرلند توصیه کرد که قرارداد توزیع آب را که تا آن زمان در اختیار وئولیا بود تمدید نکنند. بازم در آوریل گذشته، شعبه حمل و نقل این شرکت فرانسوی یک بازار ۶۵۰ میلیون یورویی را از دست داد. در تماسی تلفنی که با یکی از مسؤولین وئولیا گرفته شد، وی تأثیر فعالیت طرفداران بایکوت را در این مورد کم اهمیت تلقی کرد و گفت: «در جریان فعالیت یک شرکت، امری عادی ست که بازاری را از دست بدهد. در مورد مقامات محلی فقط کوشیده اند با تأمین کننده دیگری معامله کنند.» وی اعتراف کرد که در «اسکاندیناوی و انگلستان، فعالیت طرفداران بایکوت برای ما گران تمام شده است». این اعتراف برای عمر برغوثی که یکی از گردانندگان کارزار بایکوت علیه وئولیا است تعجب آور نیست. وی می گوید: «از آغاز امسال، وئولیا ۷ میلیارد دلار اچهار و نه دهم میلیارد یورو از بازار بالقوه خود را از دست داده است. چنین نیست که مدیران وئولیا ناگهان تبدیل به مدیران بد شده باشند، بلکه بدیهی ست که قضیه تراموای بیت المقدس چهره این شرکت را لکه دار کرده است.

وئولیا که می داند این استدلال ها چندان بردی ندارد روی تارنمای خود ستونی باز کرده است برای پاسخگویی به انتقادات. مسأله به صورت امری عاجل درآمده است. برخی مؤسسات مالی به گردونه کارزار بایکوت پیوسته اند مانند بانک هولندی ASN و صندوق بازنشستگی سوئد AP7 که یکی از مهمترین سرمایه گزاران این کشور است. انجمن های جانبدار فلسطین که به خاطر این پیروزی های نخستین به شور و شوق آمده اند بر گستره حملات خود را افزوده اند. شرکت مهندسی Egis Rail لیون (فرانسه) هدف بعدی آنها است. عمر برغوثی می گوید: «کارزار ما با شتابی که پیش بینی نکرده بودیم گسترش می یابد. حال که کشورهای غربی ترجیح می دهند چشمان خود را ببندند بر ما، جامعه مدنی، است که کاری کنیم که اسرائیل قوانین بین المللی را رعایت کند.» (نویسنده مقاله: بنیامین بارت)

※